

روزی که اسلام کامل شد

رسول اعظم ﷺ هرگاه گروهی را برای مأموریتی به جایی می فرستاد، یکی از آنان را سرپرست گروه قرار می داد تا دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ هایی که خود حضور نداشت نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می کرد تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد. حتی زمانی که برای مدت چند روز می خواست به سفر برود، فردی را تعیین می کرد تا در غیاب او به اداره امور مسلمانان بپردازد.



حالا کمی فکر کنیم؛

پیامبر خدا که در زمان حیات خود، مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی کرد، آیا ممکن است وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون راهبر رها نماید و جانشینی برای خود تعیین و معرفی نماید؟

مهم ترین پیام

سحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر! مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده اند. این دستور پیامبر خداست که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند.



در هنگام مناسک حج، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آنچه از همه عجیب‌تر است، حالت خود پیامبر است. گویی نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است....

۱. مناسک حج: عبادات و اعمال مربوط به حج



مناسک حج تمام می شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می شوند. چند روزی در بیابان های خشک و سوزان راه می روند تا به غدیر خم می رسند؛ جایی که مسیر کاروانیان از هم جدا می شود.



در این هنگام جبرئیل امین نازل می‌شود:

ای پیامبر،
آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده
است، [به مردم] برسان!
و اگر چنین نکنی،
رسالت او را انجام نداده‌ای!
و خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم،
نگاه می‌دارد.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
وَ اللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۱ آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا بیست و سه سال، با سختی و مشقت تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند و در این راه، نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟

این همان خیر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود.
رسول خدا دستور می‌دهد همه کاروانیان از شترها پیاده شوند!

«صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگوئید همه برگردند!»

مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند؛

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟

۱. سوره مائده، آیه ۶۷

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهایشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا روی مکان بلندی می‌ایستد.

سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود...

«ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد.

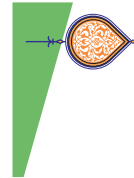
بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم.

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم؛ تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که پس از من با این دو چگونه رفتار می‌کنید».

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب علیه السلام را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

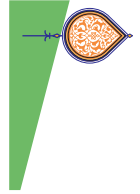
«ای مردم، تاکنون سرپرستی و رهبری شما به عهده من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبودم؟ آیا من ولی و راهبر شما نبودم؟»



همه جواب می‌دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولی و صاحب اختیار ما بوده‌ای.

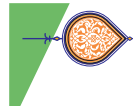
در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی علیه السلام را بالا می آورد و با صدایی بلند و رسا می فرماید:

«آگاه باشید، هرکس که من ولیّ و صاحب اختیار او بوده ام، هم اکنون این علی سرپرست و ولیّ اوست. خداوندا، هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده؛ خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش»^۱.



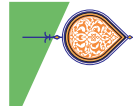
در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته اند نیز برسد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پایان سخنانشان می فرماید:

« آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟ »



مردم می گویند: بله ای رسول خدا.
رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

« پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند ».



سخنان ایشان که تمام می شود، مسلمانان گروه گروه پیش می آیند و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان تبریک می گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیه مسلمانان، ولایت حضرت علی علیه السلام را به ایشان تبریک می گویند و او را مولای خود می نامند. دیگر نشانه ای از نگرانی در چهره پیامبر خدا دیده نمی شد. او این پیام مهم الهی را در حضور ده ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی علیه السلام باقی نماند.

۱. بحارالانوار، ج ۳۷، صص ۱۰۸ تا ۲۵۱

هنوز جمعیت از اطراف علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پراکنده نشده‌اند که فرشته وحی، آیه دیگری را برای پیامبر می‌آورد:

امروز،
کافران از [نابودی] دین شما مأیوس شده‌اند.
پس از ایشان مترسید
و از [مخالفت با] من بترسید!
امروز، دین شما را برایتان کامل کردم،
و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم،
و اسلام را برای شما به عنوان آیین [جاویدان]
برگزیدم.

... الْيَوْمَ
يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ
فَلَا تَخْشَوْهُمْ
وَ اَخْشَوْنِ
الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ
وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (شیعه و سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود نداشته و ندارد.



بهترین انتخاب

در ماجرای غدیر، انتخاب حضرت علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند. حالا اگر این انتخاب توسط خداوند انجام نمی گرفت، و قرار بود پیامبر، خودش کسی را برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟ بی تردید شایسته ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه ترین مردم به قرآن و احکام الهی باشد^۱ و تمام احکام الهی را از رسول خدا فرا گرفته باشد و این فرد کسی جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نبود. جانشینی حضرت علی علیه السلام در روز غدیر، موجب ناامیدی کامل مشرکان و منافقان شد. آنها تصور می کردند چون پیامبر خدا پسری ندارد، کسی بعد از او نمی تواند رهبری مردم را بر عهده بگیرد، و با وفاتش دین اسلام نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیر مؤمنان به جای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

فعالیت کلاسی

کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله در این روز فکر کنید! اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار بازگشت به شهرها و دیدار خانواده های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده اند، ماه هاست که از خانه و خانواده هایشان بی خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می کند. آنان که جلو رفته اند باید برگردند و آنان که عقب مانده اند باید برسند. در بیابانی سوزان برایشان سخن می گوید و از آنها می خواهد همه آنچه را شنیده اند برای بقیه مسلمانان بازگو کنند. به نظر شما این همه تأکید نشانه چیست؟ با کمک دبیر محترم، درباره این پرسش در کلاس گفت و گو کنید.

۱. در کتاب های دانشمندان شیعه و سنی می بینیم که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همگی اعتراف می کردند که داناترین همه آنها حضرت علی علیه السلام است.

خودت را امتحان کن



۱ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در روز غدیر خم، دربارهٔ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام چه فرمود و ایشان را به چه مقامی منصوب کرد؟

۲ چرا در روز غدیر خم، کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟

۳ چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام شایستهٔ رهبری بر مسلمانان بودند؟

بزرگ‌ترین عید



مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز برای زنده نگه داشتن این واقعهٔ مهم، به دیدار سیدها می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند. این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز در میان مؤمنان روز عید به شمار رفته است. شخصی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟ امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.

- کدام عید؟!

- همان روزی که پیامبر خدا، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را به ولایت منصوب کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ هر که من مولای اویم، این علی ولیّ و رهبر اوست.

- این کدام روز است؟
 - روز هجدهم ماه ذی حجه.
 - در این روز انجام چه کاری شایسته تر است؟
 - در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفت و گو درباره فضیلت های محمد و آل محمد علیهم السلام، خدا را یاد کنید. رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرید...!
- موضوع ولایت حضرت علی علیه السلام و واقعه غدیر در میان مسلمانان از چنان اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب هایی درباره این موضوع واداشته است.
- کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم ترین کتاب هایی است که توسط علامه امینی در یازده جلد، تألیف شده است. ایشان در بخش اول این کتاب، صدها نفر از راویان شیعه و سنی را نام می برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده اند.
- وی در بخش های دیگر کتاب خود، از بسیاری از نویسندگان و دانشمندان شیعه و سنی در قرن های مختلف نام می برد که یا کتاب های مستقلی درباره این موضوع نوشته اند، یا بخش هایی از کتاب های خود را به این موضوع اختصاص داده اند.





خدایا،

مرا همواره دوستدار پیامبرت محمد ﷺ
و جانشین او، امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار ده؛
او که از کودکی نزد پیامبر رحمت بزرگ شد
و راه و رسم او را کامل فراگرفت.

خدایا،

بر امیرالمؤمنین درود فرست و دوستی با او را
در دلم بنشان
و مرا از پیروان و شیعیان واقعی او قرار ده
و توفیق زیارت مرقد نورانی اش را نصیبم فرما.

تو هم اگر می خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....